

بررسی تطبیقی داستان «جانانان مرغ دریایی» و داستان مرغان در منطق الطیر بر مبنای نظریه انتخاب گلسر

احمد تمیم‌داری*

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

شیوا دولت‌آبادی**

استادیار روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

شهناز عبادتی***

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۶)

چکیده

تئوری انتخاب به تبیین رفتارهای انسان با تأکید بر مسئولیت‌پذیری در برآوردن نیازهای اساسی می‌پردازد. هدف مقاله حاضر، کاربردی‌ترین رویکرد روانشناسی، در بررسی تطبیقی داستان‌های رمزی است. جانانان، مرغ دریایی، نوشته ریچارد باخ (۱۹۳۶) و نیز منطق الطیر عطار، بازگوکننده یکی از والاترین دغدغه‌های بشری، یعنی «حقیقت جویی» است. مقاله حاضر، به شیوه توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که این آثار از نظر کاربرد مفاهیم نمادین، وجوه اشتراک دارند. درون‌مایه آن‌ها به‌رغم تمایز در ساختار، تعارض میان داشته‌ها و خواسته‌های آدمی را باز می‌نمایاند. میل به کشف گوهر وجودی در سایه هدایتگری راهنما بیانگر تلاش آدمی برای برآوردن نیاز به آزادی و حق ارزشمندی است. عطار در وادی دوم، به‌ضرورت عشق در سلوک می‌پردازد؛ ولی ریچارد باخ، در آخرین آموزه‌ها اهمیت این نیاز اساسی را بازگو می‌کند. تفاوت دیگر در میزان بازنمایی انگیزه‌های درونی شخصیت‌هاست. داستان ریچارد باخ، به دلیل بهره‌گیری بیشتر از توصیف و طرح‌گفت‌وگوهای درونی قابلیت بیشتری برای خوانش گلسری دارد.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، تئوری انتخاب، منطق الطیر، جانانان مرغ دریایی.

* نویسنده مسئول) E-mail: a_tamimdari@yahoo.com

** E-mail: sh_dolatabadi@yahoo.com

*** E-mail: sh.ebadati@yahoo.com

مقدمه

ادبیات تطبیقی به چگونگی فرایند مقایسه آثار ادبی دو یا چند زبان یا فرهنگ یا ملیت با یکدیگر می‌پردازد. این بررسی و مقایسه حتی بر روی ادبیات اقوام و فرهنگ‌های مختلف در یک زبان مشترک نیز صورت می‌گیرد. موضوع مطالعه برخی پژوهش‌های تطبیقی، هم‌سنجی ادبیات یا سایر رشته‌های مطالعاتی نظیر رابطه ادبیات با سایر علوم انسانی است.

هدف مقاله حاضر، بررسی دو متن روایی از دیدگاه تئوری انتخاب (Choice Theory) است. ویلیام گلسر (William Glasser) (۱۹۲۵، آمریکا) در سال ۱۹۹۸ با ارائه نظریه انتخاب، توضیح می‌دهد که ما به‌عنوان انسان چگونه برای به‌دست‌آوردن آنچه می‌خواهیم دست به انتخاب می‌زنیم. بر اساس این نظریه آنچه از ما سر می‌زند رفتار است - با چهار مؤلفه فکر، عمل، احساس و فیزیولوژی - و تمام رفتارهای ما پاسخی برای ارضای نیازهای اساسی است. این نیازها مبنای ژنتیکی دارند و سطح شدت هر نیاز می‌تواند متفاوت باشد. در تئوری انتخاب، نیازها، به‌صورت سلسله‌مراتبی در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه به پایه‌های یک صندلی می‌مانند. صندلی هنگامی بهترین کارایی را دارد که روی تمامی پایه‌هایش متعادل باشد. (ووبل‌دینگ، ۱۳۹۵: ۴۶). نیازهای اساسی عبارت‌اند از:

- بقا (Survival): این نیاز فیزیولوژیک شامل غذا، پوشاک، مسکن، هوا، امنیت، سلامت جسمانی و میل و کشش هورمونی به انجام عمل جنسی است.
- عشق (love) و احساس تعلق: ما به عشق‌ورزیدن و مراقبت کردن از دیگران و نیز داشتن باور دوست‌داشتنی بودن، نیاز اساسی داریم. این نیاز دربردارنده روابط

خانوادگی، دوستی، روابط شغلی و روابط با آشنایان و اطرافیان است و به ما احساس پیوند و تعلق می‌بخشد.

- قدرت (Power) و پیشرفت: این نیاز برای احساس توانمندی، ارزشمندی، کارآمدی و پیشرفت و معادل «قابلیت و توانایی داشتن» است و از معنای زورگویی یا سلطه بر دیگران متمایز دانسته می‌شود.

- آزادی (Freedom): این نیاز روان‌شناختی به معنای نیاز به استقلال و خودمختاری است. توانایی انتخاب کردن، آفریدن، کشف کردن و بیان آزادانه خود، داشتن حریم شخصی، جابه‌جا شدن در محیط زندگی و احساس عدم محدودیت در تعیین انتخاب‌ها و اراده آزاد. (صاحبی و سلطانی فر، ۱۳۹۷: ۳۰)

- تفریح (Fun) و لذت: گرایش به لذت بردن از کار، شوخ‌طبعی، سرگرمی خاص خود را داشتن، علاقه‌مند بودن یا هیجان‌زده شدن در خصوص پروژه‌های کاری یا اوقات فراغت و تعطیلات از نیاز به تفریح نشئت می‌گیرد.

«خواسته‌ها» یکی دیگر از مبانی نظریه انتخاب است. بر اساس تبیین گلسر، هر انسان در ذهن خود به‌مرور زمان در تعامل با محیط، مجموعه‌ای از تصاویری را دارد که به او کمک می‌کند تا نیازهایش را ارضا کند. وی این مجموعه را آلبوم تصاویر ذهنی یا دنیای مطلوب (Quality Word) می‌نامد. تمام این تصاویر ذهنی برای برآورده سازی نیاز یک معیار درونی و سودمند هستند. دنیای مطلوب (خواسته‌ها) حاوی تصاویری از افراد، اشیا و یا باورهاست که در صورت دستیابی به آن‌ها نیاز ما ارضا می‌شود. تصاویر دنیای مطلوب هر فرد چند ویژگی اساسی دارد: «خاص و منحصر به فردند؛ تحت تأثیر وقایع خارجی قرار می‌گیرند ولی به‌وسیله آن‌ها کنترل نمی‌شوند؛ چیزهایی هستند که فرد را برانگیخته و به حرکت وامی‌دارند.» (صاحبی و سلطانی فر، ۱۳۹۵: ۳۶). نکته مهم در

رسیدن به خواسته‌ها، کارکرد سیستم انگیزشی است. هر فرد برای به دست آوردن آنچه می‌خواهد، برانگیخته می‌شود؛ زیرا اگر آن تصویر یا خواسته را به دست آورد، خشنود و خوشحال می‌شود.

انسان‌ها جهان پیرامون خود را از طریق سیستم ادراکی خود می‌بینند و ادراک یا دریافت‌های خود را در مکانی به نام «دنیای ادراکی» ذخیره می‌کنند. سیستم ادراکی از دو فیلتر سطح پایین (دانش کلی) و سطح بالا (ارزش‌گذاری) تشکیل شده است. تصاویر وارده از جهان بیرون، از طریق دریافت‌کنندگان حسی، ابتدا وارد فیلتر دانش کلی شده، شناسایی، طبقه‌بندی و نام‌گذاری می‌شوند. چنانچه تصویر شناسایی شده با خواسته یا نیاز ما ربطی داشته باشد، آن را توسط فیلتر سطح بالا ارزش‌گذاری می‌کنیم. فیلتر ارزش‌گذاری کمک می‌کند دنیای پیرامون خود را درک کنیم و در واقع بازتابی مستقیم از دنیای مطلوب است. در مرحله بعد مغز به مقایسه بین یافته‌های ادراکی و خواسته (دنیای مطلوب) می‌پردازد. زمانی که فرد چیزی را که می‌خواهد ندارد، جایگاه ارزیابی در مغز این عدم تعادل را به وسیله یک علامت به او یادآوری می‌کند. گاه این علامت به شکل ضرورتی برای تغییر در جهت ایجاد تعادل خود را نشان می‌دهد و گاه به خودی خود خنثی است و فقط گرفتن اطلاعات از وضعیت موجود است. (همان: ۴۳)

طبق نظر گلسر، مردم دو نوع روانشناسی دارند که نقش موثر یا مداخله‌ای در ارضای نیازهای پنج‌گانه دارد. در روانشناسی کنترل بیرونی (External Control Psychology) فرد، هیچ کنترلی بر عمل، فکر، احساس و یا حالت فیزیولوژیکی خود ندارد. فردی که از روانشناسی کنترل درونی (Internal control psychology) بهره می‌گیرد، هرگاه تشخیص دهد رفتار کلی یا هر جزء آن او را به سمت ارضای نیازها و

خواسته‌هایش سوق نمی‌دهد، رفتار دیگری را انتخاب و جایگزین آن می‌کند. هر فرد فقط بر عمل و فکر خود کنترل دارد و احساس و فیزیولوژی را به‌طور غیرمستقیم از طریق عمل و فکر خود کنترل می‌کند.

بیان مسئله

«منطق الطیر» از مشهورترین داستان‌های رمزی فارسی است که به شرح سفر گروهی از مرغان برای یافتن سیمرغ می‌پردازد. فروزان فر معتقد است که عطار در سرودن این کتاب، به رساله الطیر احمد غزالی و ابن سینا نظر داشته است (فروزان فر، ۱۳۵۳: ۳۳۹-۳۴۵). این داستان رمزی با توجه به جنبه‌های متفاوت عرفانی و تمثیلی همواره از سوی پژوهشگران ادبیات تطبیقی مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان گفت: «پرنده آبی» اثر موریس مترلینگ، نویسنده و متفکر بلژیکی، متأثر از منطق الطیر عطار در ادبیات اروپاست. (قاضی، ۱۳۴۶: ۱۴۵)

«جانانان مرغ دریایی» نوشته ریچارد باخ، داستانی رمزی است. نویسنده به روایت سفر پرنده‌ای می‌پردازد که با عبور از مراحل دشوار پرواز سعی دارد به حقیقت وجودی خود دست یابد. داستان جانانان به سفر مرغان در منطق الطیر شباهت‌هایی دارد؛ اما بر این ادعا نیستیم که ریچارد باخ در سبک، ساختار و محتوا تحت تأثیر عطار بوده؛ بلکه با رویکرد روان‌شناختی و به شیوه توصیفی-تحلیلی بر آنیم تا اشاره‌ای به کارکرد رمزهای همگانی یا جهانی در روایت داستان‌هایی با مضمون نسبتاً مشابه داشته باشیم.

علت شباهت سمبل‌های جهانی، بنا شدن همه آن‌ها بر ادراکات حسی و تجربیات عاطفی انسان است که در همه فرهنگ‌ها یکسان است؛ البته این نکته را نباید نادیده گرفت که گروهی از سمبل‌ها در تمدن‌های مختلف جهان دارای اهمیت و ارزش واقعی گوناگونی هستند و در نتیجه معنا و مفهوم آن‌ها نیز متفاوت است. واکاوی

درون‌مایه این آثار- فارغ از بحث تأثیرپذیری و یا تأثیرگذاری- بر مبنای مؤلفه‌های اصلی نظریه انتخاب و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها هدف اصلی این پژوهش است؛ بی-آنکه ساختار و شاخص‌های فرمالیستی و زیبایی‌های زبانی و تکنیکی مدنظر باشد. هدف از پژوهش حاضر، کوشش برای دریافت پاسخ دو پرسش اساسی است:

۱. با تأکید بر نظریه انتخاب چه مفاهیم مشترکی از سیر و سلوک «جاناناتان مرغ دریایی» و مرغان «منطق‌الطیر» قابل دریافت است؟

۲. نحوه بازنمایی هر یک از مؤلفه‌های نظریه انتخاب در این دو داستان چگونه است؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

پیوند ادبیات تطبیقی با موضوعات مهم روز مانند جهانی‌شدن، تفکر انتقادی و ارتباط زبان و ادبیات یک کشور با کشورهای دیگر، ضرورت طرح موضوع مقاله حاضر را می‌نمایاند. بهره‌گیری از «نظریه انتخاب» می‌تواند دامنه تحقیق درباره ادبیات، به‌ویژه داستان‌های رمزی را گسترش دهد و ضمن آن که ناظر به خوانش بینامتنی آثار ادبی است، جایگاه امروزی کاربرد روانشناسی مثبت‌اندیشی و نیز واقعیت‌درمانی را در بهبود کیفی زندگی افراد جامعه بازگو می‌کند.

پیشینه پژوهش

درباره «منطق‌الطیر» و «جاناناتان مرغ دریایی» مقالات مختلفی نوشته شده است؛ اما تاکنون پژوهشی درباره تطبیق این دو اثر از دیدگاه روان‌شناختی، به‌ویژه نظریه انتخاب صورت نگرفته است. دیگر آن که در هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده، بخش تازه- یافته داستان جاناناتان مرغ دریایی مورد توجه نبوده است.

-در جست‌وجوی کمال مطلوب؛ بررسی تطبیقی «ماهی سیاه کوچولو»، نوشته صمد بهرنگی با جانانان مرغ دریایی، اثر ریچارد باخ؛ این مقاله به بررسی وجوه اشتراک و افتراق آثار مذکور پرداخته، ترکیبی از عناصر داستانی، فرمالیستی و محتوایی را ابزار سنجش قرار داده است.

-مطالعه مسیر تعالی در دو اثر عرفانی حکمی (رساله الطیر و جانانان مرغ دریایی)؛ در این مقاله نیز وجوه اشتراک و افتراق آثار از نظر محتوا و برخی جنبه‌های عنصر شخصیت بیان شده است.

-از «منطق الطیر» تا «جانانان مرغ دریایی ریچارد باخ»؛ در این نوشتار دو اثر از نظر کارکرد نماد و چگونگی نیل به کمال بررسی شده‌اند و به برخی از وجوه شباهت و تفاوت اشاره شده است.

۱. بحث و تحلیل داده‌ها

۱-۱. بررسی آثار مورد تحلیل بر اساس نیازهای اساسی

۱-۱-۱. نیاز به بقا

در آغاز داستان جانانان، مرغ دریایی، نویسنده ضمن توصیف صبحی زیبا می‌نویسد: «در یک ونیم کیلومتری ساحل، یک قایق ماهیگیری برگستره آب تکان می‌خورد و از صبحانه دسته‌جمعی در هوای آزاد خبر می‌دهد تا فوجی از مرغان دریایی خودشان را برسانند و برای چند تکه نان بر سر و کله هم بزنند...» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۲۱). این عبارات براعت استهلال مناسبی است برای بیان این نکته که «بیشتر مرغان دریایی زحمت فراگیری چیزی را به جز ساده‌ترین حقیقت‌های پرواز به خود نمی‌دادند. آن‌ها فقط پی یافتن راهی بودند که بدانند چگونه برای دستیابی به غذا از ساحل دور شوند و دوباره بازگردند» (همان: ۲۲). در

واقع نیاز به بقا در میان مرغان بر سایر نیازهای اساسی آنان چیرگی داشت. «در حالی که دغدغه جانانان، نه غذا، بلکه پرواز بود ... بیش از هر چیز به پرواز عشق می‌ورزید» (همان: ۲۲). جانانان می‌خواست توانایی خود را در پرواز بسنجند. تلاش او برای کسب این خودآگاهی و نیز کم توجهی به نیازهای فیزیولوژیک، نمونه‌ای از تسلط یافتن بر نیاز به بقا به دلیل ارضای نیازهای قدرت و آزادی است: «هزاران سال است ما دنبال خوردن کله ماهی در تلاش هستیم، ولی حالا دلیل دیگری برای زندگی، برای یادگیری، برای کشف، برای آزادی داریم!» (همان: ۴۷). تلاش جانانان برای ارضای تدریجی نیاز به قدرت، سبب شد به شکل موثرتری از عهده نیاز به بقا برآید: «یاد گرفت که یک شیرجه سوزنی کم اصطحکاک و با سرعت زیاد، ماهی‌های کمیاب و خوشمزه‌ای را ... برای او به ارمغان می‌آورد. برای بقا نیازی به قایق‌های ماهیگیری و نان بیات نداشت!» (همان: ۴۸).

در منطق الطیر، مرغان در دو بخش ظاهر می‌شوند: دوازده مرغ در بخش آغازین داستان مورد خطاب عطار قرار می‌گیرند؛ نظیر «هدهد، موسیجه، طوطی، کبک و ...» و گروه دوم، مرغانی هستند که در «مجمع مرغان» با آنها آشنا می‌شویم که عبارت‌اند از: «بط، همای، بوتیمار، کوف، صعوه». هر یک از مرغان، پس از شنیدن خطرات راه، بهانه‌ای برای همراهی نکردن همدرد در سفر به قلّه قاف دارند که نشانه دل‌بستگی آنها به نفسانیات است. «دل‌بستگی کبک به خوردن سنگ‌ریزه و اینکه می‌تواند سنگ‌ریزه را در چینه‌دان خود آب کند، در نظر عطار به گونه دل‌بستگی او به احجار کریمه (گوهرها) دیده شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۷: ۱۷۲). تعلق کبک به گوهرها بیانگر نیاز او به بقاست و هم با توجه به اینکه گوهر، یادآور نگین سلیمان است، می‌تواند تلاش کبک را برای کسب ارزشمندی بازگو کند.

«عشق گوهر آتشی زد در دلم بس بود این آتش خوش حاصلم»

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۷۱).

تلاش یک بعدی کبک برای ارضای نیاز به بقا و یا حقّ ارزشمندی، به عنوان مانع بر سر راه دنیای مطلوب مورد تأکید است.

۲-۱-۱. نیاز به عشق و احساس تعلق

هر فرد برای ارضای این نیاز باید فرد یا افراد دیگری را پیدا کند که او را دوست بدارد. ضرورت وجود «فرد دیگری» موجب می‌شود ارضای نیاز به احساس تعلق بسیار دشوارتر از ارضای نیاز به آزادی، بقا یا تفریح باشد (گلسر، ۱۳۹۷، ب: ۴۴). اکنون به بررسی اشکال مختلف باز نمود این نیاز در دو داستان جانانان مرغ دریایی و داستان مرغان منطق الطیر می‌پردازیم.

الف) در شروع داستان جانانان درمی‌یابد برای حفظ رابطه با خانواده و اطرافیان باید پیشرفت در پرواز را که حاکی از نیاز او به آزادی و حقّ ارزشمندی است، قربانی کند؛ لذا ترجیح می‌دهد بدون درگیری با اطرافیان برای رسیدن به خواسته‌هایش تلاش کند؛ گرچه نتیجه آن طرد شدن از گروه ممنوعان باشد. این رفتار جانانان، حاصل انتخابی آگاهانه در برابر جهان بیرونی است تا بدان وسیله مهم‌ترین نیاز خود را برآورده کند: «جانانان، بقیه روزهایش را در تنهایی و انزوا به سر برد؛ ولی باز بر فراز صخره‌های دوردست پرواز کرد. ناراحتی‌اش از تنهایی نبود؛ بلکه بی‌توجهی بقیه مرغان او را می‌آزرد که نمی‌خواستند لذت و شکوه پرواز را باور کنند» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۴۸). به باور گلسر، رفتار انسان نه توسط عوامل بیرون، بلکه از درون او برانگیخته و آغاز می‌شود. اقدام جانانان مصداق همین نکته است.

ب) در پایان بخش اول داستان، دو مرغ با بال‌هایی نورانی به جانانان نزدیک می‌شوند: «ما آمده‌ایم تو را ببریم بالاتر، ببریم به خونه خودت» (همان: ۵۹). جانانان به دنیای جدیدی راه می‌یابد که طرز فکر مرغان به اندیشه‌های او می‌ماند. او بارانمایی مرغ

کبیر، چیانگ، برای انجام قدرتمندترین قسمت پرواز تمرین می کرد: «آماده میشی تا اوج بگیری و معنای مهربونی و عشق رو بفهمی» (همان: ۸۴).

ج) در پایان بخش دوم، هر چه جانانان بیشتر به ماهیت عشق می اندیشید، دلش بیشتر هوای بازگشت به زمین را می کرد. «راه او برای نشان دادن عشق این بود که آنچه را که خودش از حقیقت دیده، به مرعی نشان دهد که در پی فرصتی برای یافتن حقیقت بود» (همان: ۸۵).

احساس تعلق، عامل برانگیزاننده‌ای است تا جانانان، ممنوعان خود را در یافته‌هایش سهیم کند. بازگشت جانانان به زمین، بازنمودی از تلاش او برای ارضای احساس تعلق است. از دیدگاه مزلو «افراد خودشکופا می توانند شدیداً به یکدیگر نزدیک باشند و در عین حال به هنگام ضرورت بدون جریحه‌دار شدن، از هم جدا شوند...» (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۷۱).

د) در پایان بخش سوم، جلوه احساس تعلق را در رفتار همراه جانانان، فلچر می بینیم: «اگرچه فلچر سعی می کرد جلوی شاگردانش سخت گیر باشد، به ناگاه واقعیت وجود آن‌ها را دید و تنها در یک لحظه، بیشتر از دوست داشتن، به آنچه می دید، عشق می ورزید» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

ه) در بخش تازه یافته داستان، احساس تعلق بسیاری از مرغان به جانانان - که دیگر در زمین و میان آن‌ها نیست - شکل تقدس‌گرایانه به خود می گیرد و از او به عنوان اسطوره‌ای از پیش ساخته یاد می شود. در این میان، آنتونی در تعارض با مرغان دیگر، دچار سرخوردگی فلسفی می شود؛ اما در پایان داستان «جان» ظاهر می شود و همچون ناجی او را به زندگی و پیشرفت سوق می دهد. این بخش از داستان را می توان بر مبنای همخوانی شخصیت‌ها و قدرت نیازها در تئوری انتخاب بررسی کرد. آنجا که نیاز به بقا و احساس تعلق مطرح است، هر قدر نیازهای اشخاص هم‌زیست، به هم نزدیک‌تر باشد،

شانس تداوم زندگی اجتماعی و هم‌نوع دوستی بیشتر خواهد بود. نیاز به تفریح و بقا در مرغان جامعه‌ای که آنتونی در آن زندگی می‌کرد با شدت این نیازها در وجود آنتونی ناهماهنگ بود؛ به گونه‌ای که تعادل روحی‌اش را برهم زده، او را به انزوا می‌کشاند. در منطق الطیر، حکایت بلبل، روایتی نمادین از نیاز انسان به عشق است و از این وجه که رابطه بین فردی او با گل، موضوع اصلی این عشق است، بر مبنای نظریه گل‌سردر باره عشق قابل بررسی است.

«در سرم از عشق گل سودا بس است زان که مطلوبم گل رعنا بس است»
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۶۶).

هدهد در دنیای آرمانی خود، عشق روی گل را به سبب ناپایداری آن چون خار، مایه رنج و ملال می‌داند و سعی دارد او را به دریافت حقیقتی والاتر رهنمون باشد. «عشق چیزی کان زوال آرد پدید کاملان را آن ملال آرد پدید»
(همان: ۲۶۶).

در نگاه عطار، عشق، بیش از یک احساس تعلق مورد توجه است و افزون بر آن عشق بی‌زوال بر عشق زمینی ترجیح داده می‌شود. در این داستان، عشق با حق ارزشمندی به واسطه رسیدن به دنیای مطلوب پیوند می‌خورد. احساس تعلق مرغان به پادشاهی که در اقلیم آنان فرمانروایی کند، وجه دیگری از باز نمود نیاز به احساس تعلق است.

۳-۱-۱. نیاز به قدرت و حق ارزشمندی

«انسانی مسئولیت‌پذیر، حتی اگر ناچار باشد محرومیت و ناکامی را تحمل کند، رفتاری را انتخاب می‌کند که به واسطه آن هم نزد خود احساس ارزشمندی کند و هم دریابد که برای دیگران انسان ارزشمندی است. در آغاز روایت ریچارد باخ، نیاز به قدرت، از سوی

جانانان، جایگزین نیاز به بقا می‌شود و بر انتخاب‌های زندگی او تأثیر می‌گذارد. مهارت جانانان در پرواز، دلیل اصلی برای عروج او به عالم برتر بود.

«شجاعت» ویژگی یا مفهومی است که در متن داستان، ارتباط تنگاتنگی با نیاز به قدرت دارد. در تمرین پرواز آذرباد را با شاگردانش می‌بینیم: «هنری کالوین نیز با جرأت تمام در سمت چپ او تلاش می‌کرد» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

«صاحب اختیار بودن»، خصیصه‌ای است که جنبه دیگری از قدرت را نشان می‌دهد: «مرغ بزرگ، به جای آن که به خاطر سنش سست و ضعیف باشد، برعکس صاحب اختیار و قدرتمند بود» (همان: ۶۸).

کسب قدرت در پرواز، غلبه بر ترس و تنهایی و ... انتخاب‌هایی است که جانانان به واسطه آن‌ها کنترل درونی خویش را به دست می‌گیرند و ضمن مسئولیت‌پذیری، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که تصاویر موجود در دنیای مطلوب خود را به‌طور قابل قبولی محقق سازد.

نیاز به حق ارزشمندی در منطق الطیر نمودی متفاوت دارد. عطار در بیان «حکایت طوطی»، از آرزوی او، رسیدن به چشمه خضر، سخن می‌گوید:

«من نیارم در بر سیمرخ تاب بس بود از چشمه خضرم یک آب»
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۶۸).

جست‌وجوی جاودانگی، باز نمودی از نیاز انسان به قدرت و حق ارزشمندی است. تصویر خضر در دنیای مطلوب طوطی، برخاسته از سطح ادراک او از هستی و نیز بیانگر دریافت‌های سطحی اوست. بدین سبب هدهد خطاب به او می‌گوید:

«آب حیوان خواهی و جان دوستی رو که تو مغزی نداری، پوستی»
(همان: ۲۶۸).

گلسر معتقد است که تغییر دادن تصاویر دنیای مطلوب دشوار است و فقط از طریق گفت‌وگو و سازش می‌تواند انجام شود. هدهد سعی دارد با بیان حقایقی از سلوک طوطی را برای همراهی با خود متقاعد کند:

«جان چه خواهی کرد؟ بر جانان فشان در ره جانان چو مردان جان فشان»
(همان: ۲۶۸).

در حکایت «طاووس»، نیاز به حق ارزشمندی نمود پیدا می‌کند. طاووس خود را مرغ بهشتی می‌داند که آشنایی با مار سبب شد او را از بهشت برانند. بازگشت به آن گلشن باصفا آرزوی اوست و او را از همراهی با هدهد معذور می‌دارد. طاووس، جایگاه ارزشمندی را در دنیای کیفی خود متصور است که بیانگر نیاز او به پیشرفت است.

«کی بود سیمرغ را پروای من؟ بس بود فردوس عالی جای من»
(همان: ۲۶۹).

از نظر هدهد، بهشت همچون قطره‌ای از دریاست؛ اما در دنیای ادراکی طاووس نهایت ارزشمندی بازگشت به بهشت است. این خواسته با نگرش هدهد در تعارض است؛ چرا که هدهد معتقد است:

«چون به دریا می‌توانی راه یافت سوی یک شبنم چرا باید شتافت»
(همان: ۲۶۹).

حکایت «باز» نیز نمونه‌ای بارز از تلاش برای ارضای نیاز به ارزشمندی و قدرت است:

«زُقه‌ای از دست شاهم بس بود در جهان این پایگام بس بود»
(همان: ۲۷۴).

همان‌طور که می‌بینیم در هر دو داستان مورد تحلیل، تصاویر دنیای مطلوب، بازگوکننده نیاز آدمی به حق ارزشمندی از طریق رشد و پیشرفت، افزایش کارآمدی و شایستگی از طریق شناخت هویت درونی است.

۴-۱-۱. نیاز به آزادی

به اعتقاد گلسر، کنترل بیرونی که فرزند قدرت است، دشمن آزادی است. انسان هرچه آزادتر باشد و بتواند نیازهای خود را به طریقی ارضا کند که مانع ارضای نیازهای دیگران نشود، بیشتر می‌تواند در جهت منافع خود و دیگران استفاده کند (گلسر، ۱۳۹۷، الف: ۸۶).

در جاناتان، مرغ دریایی، «آزادی» با کلیدواژه «پرواز» و در منطق‌الطیر با پرواز به قلّه قاف به شکلی نمادین در چند وجه مطرح است:

الف) رهایی از موانع اجتماعی باهدف پیشرفت

نیاز به آزادی جاناتان را وامی‌دارد که بدون زورآزمایی برای تحقق خواسته‌هایش اقدام کند. رفتار جاناتان، با توجه به «رفتار کلی» قابل تبیین است. گلسر معتقد است که همه مؤلفه‌های رفتار کلی مهم هستند اما بیش‌ترین کنترل ما روی مؤلفه عمل است. در این داستان، «پرواز» نمادی از تغییر در مؤلفه عمل و در نتیجه، رفتار کلی است و بیانگر مسئولیت‌پذیری نسبت به پیامدهای مثبت یا منفی در جهت ارضای نیاز به آزادی است. در منطق‌الطیر، موانع اجتماعی مورد بحث نیست بلکه هر یک از مرغان با بازدارنده‌های درونی مواجه هستند.

ب) رهایی از اندیشه‌ها و احساسات بازدارنده درونی

در آغاز بخش سوم، از زبان جانانان چنین می‌شنویم: «تمام بدن شما چیزی بیشتر از افکارتان نیست که در این شکل و فرم دیده می‌شود، زنجیره افکارتون رو از هم باز کنین، بعد می‌بینین همون زنجیری که دست و پاتون رو بسته، از هم باز میشه» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۱۰۱).

جانانان باور داشت که «این حق یک مرغ است که پرواز کند که آزادی فطرت واقعی وجود اوست و هر چیزی که مانع آزادی آن‌هاست باید از میان برداشته شود؛ چه تشریفات و خرافات باشد و چه محدودیت‌ها در هر شکلی» (همان: ۱۰۹).

در منطق الطیر، عشق بلبل به گل، دل‌بستگی طوطی به چشمه خضر، تعلق طاووس به جنات النعیم، ادراک بط از آب و رای و جامه پاک، عشق کبک به گوهر، غرور همای و تعلق خاطر باز به تقرّب نزد سلطان نمونه‌هایی از بازدارنده‌های درونی در نیل به مقصود است. هدهد نمادی از پیر طریقت است و تنها کسی است که در سفر به قلّه قاف، وارسته از همه تعلقات مادی و نفسانیات است. با خوانش گل‌سری می‌توان گفت هدهد، مظهر انسانی است که به آن درجه از آگاهی دست یافته که ضمن رهایی از هر اندیشه بازدارنده، در راهبری دیگر مرغان، خلاق و آفرینش‌گر است. آنجا که عطّار، هدهد را خطاب می‌کند، به جایگاه متعالی سیر او اشاره دارد:

«ای به سر حد سبا سیر تو خوش با سلیمان منطق الطیر تو خوش»
(عطّار، ۱۳۹۷: ۲۵۹).

هدد سعی دارد سایر مرغان را به تأمل وادارد تا آگاهانه برای رسیدن به خواسته غایی خود، دیدار با سیمرغ، به انتخاب جدید روی آورند و ضمن مسئولیت‌پذیری راه سفر را پیش گیرند. «آزادی» در انتخاب تصاویر دنیای مطلوب، وجه مشترک هر دو داستان مذکور است؛ با این وجه تمایز که جانانان با تکاپوی ذهنی، خود به این آگاهی

می‌رسد ولی مرغان منطق‌الطیر با رهبری هدهد و روشنگری‌های او راه سفر را در پیش می‌گیرند.

ج) رهایی از محدودیت‌های جسمانی

در دنیای جدید، جانانان تحت تعلیم چیانگ، قرار می‌گیرند. او آرزو دارد رها از مکان و زمان پرواز کند؛ «به عقیده چیانگ راه حلّ قضیه این بود که جانانان دیگر خودش را اسیر بدنی محدود نیند» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۸۱).

رهایی از محدودیت‌ها، به او امکان می‌دهد که هر جا که می‌خواهد برود و هر چیزی که می‌خواهد باشد. «او دریافته بود که فقط پر و استخوان نیست، بلکه اندیشه نو از آزادی و پرواز است و هیچ چیز نمی‌تواند او را محدود کند» (همان: ۸۷-۸۸).

در منطق‌الطیر، ادراک «صعوه» از خود، بیانگر باور او به محدودیت جسمانی و ضعف و ناتوانی است. او به بهانه جست‌وجوی یوسف خود بر لب چاه بنشسته است.

«همچو موسی بازو و زورم نیست وز ضعیفی قوت موریم نیست»
(عطار، ۱۳۹۷: ۱۰۳۳).

هدهد، در پاسخ به بهانه جویی صعوه، به او نسبت به ادراک غیرواقع‌بینانه‌اش نهیب می‌زند و می‌گوید:

«گر تو یعقوبی فی‌المثل یوسف ندهند کمتر کن حیل»
(همان: ۱۰۴۵).

-نیاز به تفریح و شادی (Happiness)

گلسر، خشنودی و شادمانی را هرگز مستقل از رفتار در نظر نمی‌گیرد. نیاز به شادی و تفریح در داستان جانانان چند جلوه متفاوت دارد:

الف) شادی مرغان عادی که حاصل تفریح کنار ساحل و پروازهای سرگرم کننده است.

ب) شادی جانانان، به خاطر کسب مهارت در پرواز این وجه از شادی که محصول یادگیری است با تلاش برای ارضای نیاز به قدرت به صورت خواسته سرعت بیشتر در پرواز ارتباط دارد. «سرعت، قدرت بود و لذت؛ سرعت، زیبایی محض بود!» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۳۷)

ج) شادی مرغان دریایی در دنیای جدید مرغان تحت تعالیم جانانان، از دریافت آموزه‌های جدید لذت می‌بردند. نویسنده به خوبی در میان گفت‌وگوهای آنان احساس شادی را منعکس می‌کند.

د) شادی و تفریح جانانان و دوستانش، پس از بازگشت او به زمین در بخش سوم داستان، نمونه‌ای از شادی و تفریح بازگو می‌شود. آنجا که جانانان «در هوای ابری و طوفانی، برای ورزش و تفریح همراه شاگردان نوآموزش پرواز می‌کرد.» (همان: ۱۰۵). گلسر بیان می‌دارد که «خوب کنار آمدن با یکدیگر کوشش زیادی می‌طلبد و بهترین راه برای انجام آن، این است که در کنار هم فرصت‌های یادگیری سرگرم‌کننده و مفرح ایجاد کنیم» (گلسر، ۱۳۹۷، ب: ۸۸). شادی (Happiness) و تفریح جانانان در این بخش از داستان ارتباط مستقیمی با ارضای نیازهای دیگر او دارد لذت توأمان همراهی با دوستان و ارضای متعادل تمام نیازهایش، تلاشی است برای خوب کنار آمدن با دیگران.

عطار در وادی معرفت، به شوق حاصل از وقوف بر اسرار اشاره دارد. این شادی عارفانه حاصل طی مراتب سلوک و دریافت‌های معنوی است.

«گر ز اسرار شود ذوقی پدید هر زمانت نو شود شوقی پدید»

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۹۳).

در هر دو اثر مورد تحلیل، شادی حاصل دریافت‌ها و ادراک‌های نو از جهان هستی است.

۲-۱. بررسی آثار مورد تحلیل بر مبنای انواع تعارض

تعارض، محصول قرار گرفتن دو تصویر متضاد، به‌طور هم‌زمان در دنیای مطلوب یک فرد است. به‌وجه مختلف تعارض در داستان‌های انتخابی می‌پردازیم.

الف) تعارض بین دنیای ادراکی و دنیای کیفی

در دو بخش از داستان ریچارد باخ با جلوه‌هایی از این نوع تعارض مواجه می‌شویم: جانانان در آغاز داستان با سخت‌کوشی به تمرین پرواز می‌پردازد اما کمی بعد واگویه-های درونی او را می‌شنویم که حاکی از تعارض بین نیاز او به بقا یافتن و نیاز به احساس تعلق از طریق ماندن در کنار سایر مرغان و نیاز او به قدرت، به‌صورت توان پرواز به دوردست‌هاست. «باید از این حماقت دست بکشم. باید به خانه‌ام، نزد بقیه پرنده‌ها بازگردم و مانند یک مرغ دریایی ضعیف و محدود، به آنچه هستم، راضی باشم» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۳۱). او پس از تمرین بسیار آموخت که با رها کردن واگویه‌های منفی، به تلاش ادامه دهد.

در پایان بخش چهارم داستان، مرغ دریایی آنتونی، دچار احساس پوچی می‌شود تا آنجا که با خود می‌گوید: «بهتر است دیگر به زندگی ادامه ندهم تا اینکه مثل یک جلبک دریایی نه‌لذتی ببرم نه هدفی داشته باشم» (همان: ۱۴۳). احساس ناکامی حاصل از فاصله بین داشته و خواسته، قابل‌توجه‌ترین عنصر سنجش رفتار آنتونی است که کیفیت عمل او را تعیین می‌کند. «رایج‌ترین دلیل افرادی که دست به خودکشی می‌زنند یا تصمیم به خودکشی می‌گیرند، برآورده نشدن نیاز به احساس تعلق است» (صاحبی و سلطانی فر،

۱۳۹۵: ۴۷). آنتونی به سبب ناتوانی در درک واقعیت و معنای زندگی، تصمیم به خودتباهی می‌گیرد تا سرانجام با حضور معجزه‌آسای «جان» از مرگ نجات پیدا می‌کند و آرزویش در یافتن پرنده‌ای که راه و رسم پرواز را به او بیاموزد، تحقق می‌یابد.

به اعتقاد گلسر، «ما انسان‌ها چون گاهی در شرایط تعارض قرار می‌گیریم و به دنبال راهی برای رها شدن از آن هستیم، باید همواره به اخلاق و مسئولیت‌پذیری توجه کنیم و مراقب باشیم که نیازهایمان را به گونه‌ای برآورده کنیم که دیگران را از ارضای نیازهایشان محروم نکنیم» (گلسر، ۱۳۹۷، ب: ۲۳۶-۲۳۷).

در منطق الطیر نیز می‌بینیم هر یک از مرغان، بین دنیای ادراکی و کیفی خود دچار تعارض هستند و هراس ناشی از ترک داشته‌ها، مانع از جرأت‌ورزی آن‌ها در انتخاب سفر، به عنوان اقدامی موثر در رسیدن به خواسته‌هاست. وجود چند تعارض، اساس گفت‌وگوی هدهد با مرغان است:

- تعارض نیاز به دیدار سیمرغ با سایر نیازهای مرغان؛

- تعارض هدهد با مرغان در سفر به سوی سیمرغ.

چیرگی یک یا چند نیاز، مانع اصلی بر سر راه هر یک از مرغان برای سفر به سوی سیمرغ بود. در واقع دنیای مطلوب مرغان، امنیت حاصل از برآوردن نیازهای اساسی، در سطحی نازل و زمینی بود. هدهد با آگاهی‌بخشی، کمک می‌کند مرغان تصاویر جدیدی از هدف غایی، دیدار سیمرغ، در دنیای کیفی خود جای دهند.

ب) تعارض بین نیازهای اساسی

- «آزادی و حق ارزشمندی» و «نیاز به عشق و احساس تعلق»

برای جانانان پاسخگویی به نیازهای آزادی و قدرت پیامد سنگینی داشت و آن طرد شدن از سوی اطرافیان بود. به زبان تئوری انتخاب، می‌توان تعارض موجود را چنین

توضیح داد: جانانان در دنیای مطلوب خود، پرواز در اوج و دستیابی به حقیقت وجودی را متصور است و هم‌زمان تصویری عینی از دیگر مرغان دریایی می‌بیند که بنا بر تصاویر دنیای کیفی‌شان چنین آرمان‌گرایی را از او را بر نمی‌تابند. او بین ارضای نیاز به قدرت و آزادی، از یک سو و نیاز به احساس تعلق از سوی دیگر سرگردان است و نمی‌تواند رفتار واحدی را انتخاب کند که هر دو تصویر را هم‌زمان برآورده کند. تصمیم نهایی جانانان - پیشرفت در پرواز - او را از این تعارض می‌رهاند. در منطق الطیر، حکایت «بلبل» باز نمودی از این نوع تعارض است.

- تعارض میان «نیاز به بقا» و چهار نیاز روان‌شناختی

برای قبیله جانانان، نیاز به بقا اولویت نخستین بود. «پدرش با مهربانی می‌گفت: اگر قراره تحقیقی بکنی، روی خوراکی تحقیق کن و بین چه طوری می‌تونی غذا گیر بیاری... یادت نره دلیل پروازت غذا خوردنه» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۲۴). جانانان مدتی شیوه اطرافیان را پیش گرفت اما دغدغه پرواز، او را به انتخاب گونه‌ای دیگر از اندیشه و عمل واداشت. او ارضای نیاز به آزادی را بر نیاز به بقا ترجیح داد. در منطق الطیر، «کبک» نمادی از انسان‌هایی است که بین انتخاب ارضای نیاز به بقا و دستیابی به حس ارزشمندی و قدرت در تعارض هستند.

ج) تعارض میان تداوم حضور در دنیای جدید و بازگشت به زمین

با توجه به مفهوم «تعارض درون‌نیازی»، «نه فقط ممکن است نیازی با نیاز دیگر در تعارض باشد، بلکه جنبه‌ای از یک نیاز می‌تواند با جنبه دیگری از همان نیاز در حالت تنش قرار بگیرد. قدرت، دربرگیرنده جدال بین حق ایستای پیشرفت و لریا/ کشش به سمت یک ویژگی پویاتر مانند اکتشاف است» (وولدرینگ، ۱۳۹۵: ۶۱). این شکل از تعارض، فقط در داستان جانانان مطرح است. چرا که در منطق الطیر، آنجا که مرغان به هدف غایی، یعنی کشف سیمرخ وجود دست می‌یابند، به مرحله فقر و فنا می‌رسند.

جانانان در دنیای دیگر، به بخشی از آرمان‌های خود دست می‌یابد و نیازهای روان‌شناختی او، به‌ویژه، نیاز به عشق مورد توجه قرار می‌گیرد. «هر چه جانانان بیشتر روی درس‌های دوستی و مهربانی‌اش تمرین می‌کرد ... دلش بیشتر هوای بازگشت به زمین را می‌کرد... راه او برای نشان دادن عشق این بود که آنچه را که خودش از حقیقت دیده، به مرغی نشان دهد که در پی فرصتی برای یافتن حقیقت بود.» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۱۸۵). او به‌رغم میل درونی، تحت تأثیر سالیوان، در دنیای جدید ماند و به آموزش سایر مرغان پرداخت اما نمی‌توانست این فکر را وانهد که «ممکن است یک یا دو مرغ دریایی، ... روی زمین هم توانایی فراگیری داشته باشد» (همان: ۱۸۶).

بازگشت جانانان به سرزمینی که از آن رانده شده بود، باز نمود جلوه‌ای دیگر از نیاز به عشق است. بنا بر نظریه انتخاب، می‌توان گفت او دریافت که می‌تواند گذشته را فراموش کند و از سرزنش دیگران که بسیار وقت گیر است و اجازه نمی‌دهد وقت خود را صرف انتخاب‌های مؤثرتر در زمان حال بکند، دست بکشد. این حاکی از اقدام مؤثر او برای ارضای مسئولیت‌پذیرانه نیاز به عشق و احساس تعلق است. گلسر مسئولیت-پذیری را یکی از جنبه‌های مهم در شکل‌گیری هویت موفق می‌داند. نتایج حاصل از بررسی مصادیق نیازهای اساسی در این دو داستان به شرح زیر است:

جدول (الف) بازنمایی فراوانی نیازهای اساسی در داستان جانانان مرغ دریایی

ردیف	خواسته	نوع نیاز	فراوانی بازنمایی در متن	درصد بازنمایی در متن
۱	زندگی و حفظ امنیت	بقا	۱۶	۱۱/۳۵
۲	تعامل با دیگری یا دیگران	عشق و احساس تعلق	۲۵	۱۷/۷۵
۳	کسب مهارت در پرواز	قدرت و ارزشمندی	۴۷	۳۳/۳۵
۴	رهایی از محدودیت‌ها	آزادی	۳۲	۲۲/۷۰
۵	لذت بردن از یادگیری	تفریح	۲۱	۱۴/۹۰

ارضای «نیاز به بقا»، با خواسته امنیت‌جویی، در تلاش جانانان و دیگر مرغان همراه او، برای برآوردن نیاز به قدرت متجلی است. «نیاز به عشق و احساس تعلق»، بیش از نیازهای بقا و تفریح مورد توجه بوده و با دنیای مطلوب جانانان ارتباطی تنگاتنگ داشته است. درصد بازنمایی «نیاز به قدرت» و غالب بودن آن بر سایر نیازها مبین این نکته است که نیازی متمایز و شاخص است. در متن داستان، ارضای این نیاز غالباً در خدمت ارضای نیاز به آزادی بوده است و با ویژگی‌هایی همچون «کنترل درونی، شجاعت، غلبه بر محدودیت‌های جسمانی و پرورش قدرت تفکر» نمود دارد.

«نیاز به آزادی»، پس از نیاز به قدرت، بیشترین فراوانی را دارد. بهره‌گیری از آفرینندگی سازنده و نیز امکان برآوردن سایر نیازهای اساسی درگرو ارضای نیاز به آزادی است. شادمانی حاصل از موفقیت در یادگیری، جلوه‌هایی از نتایج ارضای «نیاز به تفریح» است که می‌توان آن را با دیدگاه گلسر همخوان دانست. فراوانی این نیاز بر اساس کاربرد واژگانی نظیر «شادی، ذوق، خوشحالی، هیجان» به دست آمده است.



جدول (ب): بازنمایی فراوانی نیازهای اساسی در داستان مرغان منطق الطیر

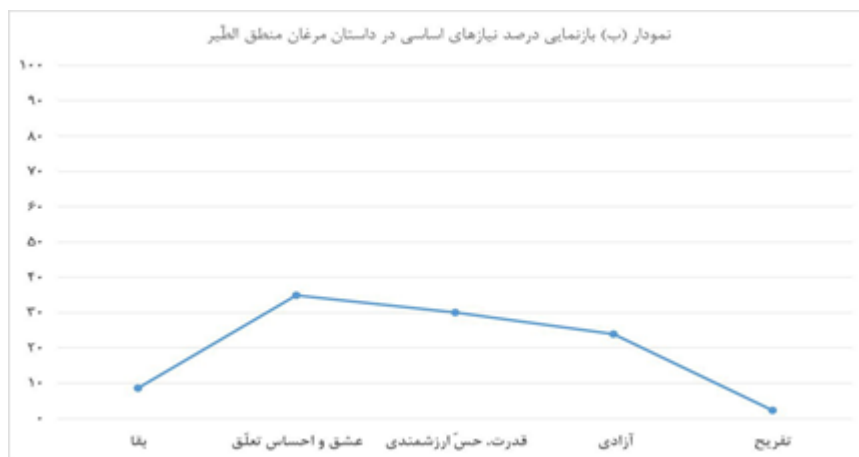
ردیف	خواسته	نیاز	فراوانی بازنمایی در متن	درصد بازنمایی در متن
۱	زنده ماندن و حفظ امنیت	بقا	۱۹	۸/۶۵
۲	عشق به مخلوق، پیروی از هدهد، همراهی در سفر، یافتن سیمرخ	عشق و احساس تعلق	۷۷	۳۵
۳	کشف حقیقت وجودی	قدرت، حق ارزشمندی	۶۶	۳۰
۴	رهایی از نفسانیات، کمال‌طلبی، کشف حقیقت وجودی و اتصال به مبدأ	آزادی	۵۳	۲۴
۵	شادی حاصل از شناخت مراحل سلوک	تفریح	۵	۲/۴۵

لازم به ذکر است که در تنظیم جدول (ب) «بیت»، واحد شمارش، برای تعیین فراوانی هر نیاز است و مقصود از متن، مجموعه ابیاتی است که گفت‌وگوهای هدهد با دیگر مرغان و نیز هفت وادی عرفان را دربردارد. بر اساس رقم فراوانی و درصد بازنمایی هر نیاز می‌توان اذعان داشت:

نیاز بقا، به‌طور خاص درباره مرغانی مانند کبک و صعوه نمود داشته است و کمترین فراوانی را از نظر کاربرد واژگان در کلام و یا بافت معنایی متن داشته است. نیاز به عشق، در تعامل با هم‌نوع، راهنما (هدهد)، عشق ازلی و ... بیش از سایر نیازها در سفر مرغان مورد توجه بوده است؛ بدان درجه که در هفت وادی، در جایگاه دوم است. گلسر نیز در تبیین نیازهای اساسی، «عشق و احساس تعلق» را بنیادی برای ارضای سایر نیازها می‌داند.

گلسر بر این باور است که اهمیت نیاز به حق ارزشمندی با نیاز به عشق و احساس تعلق برابر است. نزدیکی درصد بازنمایی این دو نیاز مبین همین نکته است. نیاز به آزادی، به شکل

خواسته درونی برای رهایی از خواهش‌های نفسانی و از همه مهم‌تر، رسیدن به سیم‌رخ عینیت می‌یابد. سفر در وجه نمادین، اقدامی موثر برای تحقق آزادی است. خشنودی حاصل از راه‌یابی به وادی معرفت، نمودی از برآورده شدن نیاز به شادی است. در متن مذکور، واژگانی نظیر شادی، شرف، شور و شوق و مشابه آن، کمترین بسامد را داشته است؛ به نظر می‌رسد این نیاز در وجهی والاتر در نیازهایی مانند حقّ ارزشمندی تبلور یافته است.



۱-۳. خواسته‌ها (دنیای مطلوب)

ضمن ارائه خلاصه‌ای از مفهوم خواسته‌ها در هر یک از آثار مورد تحلیل، وجوه شباهت و تفاوت آن‌ها بیان می‌شود.

۱-۳-۱. انگیزه سفر و ماهیت دنیای مطلوب

گلسر معتقد است انسان‌ها برای محقق کردن نیازهای پنج‌گانه خود دارای انگیزه‌های درونی هستند. آن‌ها می‌توانند با انتخاب آگاهانه احساسات و رفتارشان زندگی خود را

بهرتر کنند. در بررسی فرایند سفر و کیفیت دنیای مطلوب آثار مورد بحث، نکات زیر قابل تأمل است:

جانانان، درمی یابد که بین دریافت‌ها و آنچه خواسته اوست، فاصله زیادی وجود دارد. تصاویر ذهنی او در دنیای کیفی اش شامل باورش به آزادی، همراهی مرغان هم-قبیله و آسمان بی کران است اما دانش کلی او درباره دنیای ادراکی، تصاویری از مرغانی را می‌نمایاند که مسئله آن‌ها در زندگی، نه پرواز که غذا بود و بس. برای جانانان، پرواز در اوج، خواسته‌ای عمیقاً درونی است. او با وجود آن که با تعارض‌های مختلف مواجه بود، تصمیم می‌گیرد سفر خود را برای کشف حقیقت وجودی به تنهایی آغاز کند تا آنجا که موفق می‌شود بر اندیشه‌های محدودکننده و محدودیت‌های جسمانی فائق آید. آنگاه زمان عروج او به دنیایی دیگر فرامی‌رسد. در آنجا او به دنیای مطلوب خود نزدیک می‌شود، جهانی که بازنمایی تصاویر گنجۀ ذهنی اوست:

- مرغانی که دوست دارد ببیند؛ یعنی همراهان هم‌اندیش؛

- آموزه‌های جدید که دوست دارد تجربه کند؛ درس‌های مربیان کارآموده؛

- باورهایی که در برآوردن نیازها راهگشای او هستند؛ از جمله عشق و مهربانی.

انگیزه سفر در داستان مرغان منطق‌الطیر، از دو وجه قابل بررسی و تطبیق با سفر جانانان است:

- سفر از بیرون به درون باهدف شناسایی بازدارنده‌های درونی برای نیل به حقیقت؛
عطار یک بار، در آغاز داستان، دوازده مرغ را به ترتیب از «دهد» تا «باز» مورد خطاب قرار می‌دهد. پیام مشترک او به همه این مرغان، ضمن توجه به نوع دل‌بستگی هر یک، ترک هواهای نفسانی برای طی مراتب کمال است. عطار در جایگاه یک پیر طریقت، مرغان را در شناخت بازدارنده‌های درونی یاری دهد. او سعی دارد مرغان را

به تغییر و حرکت برانگیزاند. این سیر از بیرون به درون در واقع همان مرتبه نخست خویششناسی و آگاهی از دنیای ادراکی است.

«همچو یوسف بگذر از زندان و چاه تا شوی در مصر عزت پادشاه»
(عطار، ۱۳۹۷: ۶۶۰).

-سفر از درون به بیرون، برای دست‌یابی به کوه قاف و رسیدن به سیمرخ در مجمع مرغان، میل درونی همگان بر آن است که «پیش از این بی‌شاه بودن راه نیست». اما وقتی مرغان از دشواری و دوری راه مطلع می‌شوند، عذرهای می‌آورند. آنگاه همد با مرغان سخن می‌گوید. این بار با بیانی قاطع‌تر و نیز با طرح پرسش‌های تأمل‌برانگیز، آنان را از پرداختن به خواهش‌های نفسانی باز می‌دارد و بایان جلوه‌هایی از سیمرخ به حرکت به سوی قاف ترغیب می‌کند؛ در خطاب او به طاووس چنین می‌شنویم:

«گر تو هستی مرد کلی، کل بین کل طلب، کل باش، کل شو، کل گزین»
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۶۹).

۲-۳-۱. وجود برخی محدودیت‌های ادراکی و جسمانی؛

در هر دو داستان، محدودیت‌های فکری و جسمانی از موانع رسیدن به دنیای مطلوب است؛ محدودیت‌هایی که آدمی با تغییر نگرش خود نسبت به جهان هستی قادر به درهم شکستن آنهاست.

۳-۳-۱. تبدیل حرکت فردی به حرکت جمعی؛

حرکت جانانان به سوی پیشرفت، حرکتی فردی است و پس از آن که از قبیله‌اش تبعید می‌شود، همچنان تنها به تلاش خود ادامه می‌دهد. در دنیای جدید، این حرکت،

جمعی می‌شود. مرغانی به جانانان ملحق می‌شوند که به سان او دوستدار رهایی از محدودیت‌ها هستند؛ اما سفر مرغان منطق‌الطیر، از همان آغاز حرکتی جمعی است.

۴-۳-۱. حضور راهنما برای آموزش مرغان؛

در هر دو داستان، راهنما نقش مؤثری در انگیزه‌بخشی به مرغان و تعلیم آن‌ها دارد؛ در سفر جانانان، اولین راهنما در بخش دوم روایت ظاهر می‌شود. «سالیوان»، پرنده‌ای است نورانی، با توانمندی و سطح آگاهی بالاتر از دیگران که حقایقی ارزشمند را بازگو می‌کند: «ما دنیای بعدی مون رو با توجه به چیزهایی انتخاب می‌کنیم که توی این دنیا یاد می‌گیریم. اگر چیزی یاد نگیریم، دنیای بعدی هم مثل همین دنیاست. چیره‌شدن بر همان محدودیت‌ها و همان موانع» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۶۷). در مرحله بعد، مرغ بزرگ، «چیانگ» ظاهر می‌شود و جانانان را آموزش می‌دهد.

در منطق‌الطیر، هدف غایی مرغان، دیدار سیمرغ و برگزیدن او به شاهی است. هدهد، به‌عنوان راهنما این دنیای مطلوب را چنین ترسیم می‌کند:

«در حریم عزت است آرام او نیست حدّ هر زفانی نام او»
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۶۴).

«صد هزاران پرده دارد بیشتر هم ز نور و هم ز ظلمت پیش در»
(همان: ۲۶۴).

سیمرغ در منطق‌الطیر در چند وجه نمادین کاربرد دارد؛ از جمله:

- ذات حق و حقیقت مطلق:

«گر نگشتی نقش پرّ او عیان این همه غوغا نبودی در جهان»
(همان: ۲۶۵).

- نمادی از عالم غیب و غیرقابل ادراک:

«در کمالش آفرینش ره نیافت دانش از پی رفت و بینش ره نیافت»
(همان: ۲۶۴).

-سایه لطف و رحمت:

«ذره در خورشید والا اوفتاد سایه سیمرخ بر ما اوفتاد»
(همان: ۳۰۲).

-نماد پادشاه و انسان کامل:

«دائماً او پادشاه مطلق است در کمال غیر خود مستغرق است»
(همان: ۲۶۴).

از دیدگاه عطار، پدیده‌های خلقت، تجلی گاه سیمرخ است و جهان در ظل او پردوام؛ با این وجود عقل و جان آدمی قادر به ادراک ماهیت وجودی او نیست.

۵-۳-۱. ارتقا یافتن مرغان از مرحله‌ای به مرحله دیگر؛

در روایت ریچارد باخ، «پیشرفت» به تدریج صورت می‌گیرد. جانانان با تلاش فردی به دنیای دیگر راه می‌یابد و در آنجا آموزه‌های جدید درباره پرواز و مفاهیم دوستی می‌آموزد، به گونه‌ای که آمادگی گذر به مرحله‌ای دیگر را به دست می‌آورد. چنانکه در رسیدن به حقیقت وجودی، به مرحله‌ای برتر از دیگران می‌رسد تا اینکه از جمع مرغان ناپدید می‌شود تا مرحله‌ای دیگر را آغاز کند؛ مرحله‌ای که گویی ریچارد باخ قصد پرداختن به آن را ندارد. در روایت عطار نیز مرغان از هفت وادی سیر و سلوک عبور می‌کنند تا به سیمرخ دست یابند.

«گفت ما را هفت وادی در ره است چون گذشتی هفت وادی، در گه است»
(همان: ۳۲۴۸).

۶-۳-۱. جایگاه نیاز به عشق در فرایند سفر

جانانان در دنیای جدید، با فراگیری مفهوم گسترده‌تری از عشق تصمیم می‌گیرد به زمین بازگردد تا با ابراز «عشق به هموعان»، زیباترین تصویر دنیای مطلوب خود را عینیت بخشد. وجود رابطه عاطفی متقابل، کلید برآورده شدن نیازهای اساسی انسان است. در این داستان نیز «رابطه مطلوب با دیگری یا دیگران» بنیاد ارضای نیاز به عشق و همچنین نیل به دنیای کیفی است.

مسیر جانانان در رسیدن به کمال، عبارت بود از حرکت از زمین به آسمان نامحدود، سپس رجعت به زمین؛ سیری تسلسلی اما بر پایه خودآگاهی. جانانان در بخش پایانی فصل سوم، خطاب به شاگردش، فلچر می‌گوید: «کاری که تو کردی تغییر سطح آگاهی‌ات بود ... حالا انتخاب با خودته. می‌تونی اینجا بمونی و توی این سطح آموزش ببینی که خب به مقدار بالاتر از سطح دنیای قبله ... یا می‌تونی برگردی و با فوج مرغان کار کنی» (ریچارد باخ، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

در خوانش گلسری «سفر» در آثار مورد تحلیل می‌توان گفت که شروع پرواز جانانان بر مبنای ارضای نیازهای «حق قدرت و ارزشمندی» و «آزادی» است؛ اما بازگشت دوباره او به زمین، تلاش برای برآوردن «نیاز به احساس تعلق» است. در داستان مرغان منطق الطیر نیز سفر اقدامی مؤثر برای دستیابی به مهم‌ترین خواسته، یعنی حق ارزشمندی در سایه احساس تعلق به سیمرغ و پادشاهی اوست.

نتیجه‌گیری

در هر دو اثر، هر یک از مرغان، نماد انسان‌هایی هستند که به برخی از نیازهای اساسی خود بیش از سایر نیازها توجه دارند. بازنمود این نیازها در مسیر سفر متفاوت است. در بخش سوم داستان جانانان مرغ دریایی، نیاز به عشق و احساس تعلق در ارتباط

با هم‌نوعان، به‌عنوان شرط اساسی و تام برای رشد شمرده می‌شود؛ اما عطار در همان آغاز سلوک در وادی دوم به موضوع عشق به معشوق ازلی - مرحله‌ای والاتر از احساس تعلق به هم‌نوع - می‌پردازد. عطار، در وادی معرفت، بر این نکته تأکید دارد که هرکس به میزان ظرفیت درونی به درک حقیقت نائل می‌شود. ریچارد باخ نیز در روایت خود، به‌ویژه در بخش دوم داستان، مرغانی را به تصویر می‌کشد که میزان درک آن‌ها از حقیقت مطلق جهان متفاوت است. آن که در این دریافت، به دلیل تلاش و استقامت بیشتر در گذر از دشواری‌های راه پیشروست، در نقش راهنما و یا شخصیتی با هویت موفق ظاهر می‌شود.

هر دو اثر با توجه به مؤلفه مسئولیت‌پذیری، وجوه مشترکی دارند. هم ریچارد باخ و هم عطار، مسئولیت گذر از موانع سلوک را بر دوش یکایک مرغان که نمادی از انسان حقیقت طلب هستند، می‌نهند و حضور راهنما، مسئولیت فردی را در هیچ یک از دو اثر، نفی نمی‌کند. در هر دو اثر، کشف حقیقت وجودی، مهم‌ترین بخش دنیای مطلوب مرغان است و به‌ضرورت وجود راهنما در طی مسیر حقیقت‌جویی تأکید شده است. ریچارد باخ معتقد است که راهنمای هر انسان، جوهر ذاتی خود اوست که رسالت آدمی دستیابی به آن است. عطار نیز مرغ حقیقت را نهفته در ذات انسان می‌داند؛ اما حقیقت مطلق از نظر او آفتاب لایزال معبود ازلی است که بر روح و جان سالکان پرتو افکنده است.

داستان ریچارد باخ، به دلیل بهره‌گیری بیشتر از توصیف، طرح گفت و گوهای درونی شخصیت‌های داستان، قابلیت بیشتری برای خوانش گلسری و تحلیل نیازهای اساسی دارد. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل روان‌شناختی هر دو اثر مورد تحلیل، به نظر می‌رسد خوانش این آثار تأثیر بسزایی در اقناع ذهن خوانندگان متن در خویش‌شناسی و آگاهی از دنیای ادراکی و دنیای مطلوب دارد و افزون بر آن چیره دستی و حذاقت عطار در روایت سیر و سلوک عرفانی و نیز مهارت ریچارد باخ در بیان نیازهای درونی

انسان، خوانندگان آثار مذکور را به تلاش برای تحقق آرمان‌ها و کشف گوهر وجودی برمی‌انگیزاند.

منابع

- اشرف زاده، رضا. (۱۳۷۳). *تجلی رمز و روایت در شعر عطار نیشابوری*. چ ۱. تهران: انتشارات اساطیر.
- آقاگدی، پریرسا و احمد اعتمادی. (۱۳۹۱). «بررسی اثربخشی آموزش نظریه انتخاب و کنترل گلسر بر تحول الگوی هویت نوجوانان». *مطالعات روان‌شناختی*. د ۸ ش ۲. صص ۳۳-۵۴.
- باخ، ریچارد. (۱۳۹۷). *جانانان مرغ دریایی*. ترجمه مهسا یزدانی. چ ۵. تهران: انتشارات بهجت.
- شورل، ایو. (۱۳۸۶). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه طهمورث ساجدی. تهران: نشر امیرکبیر.
- صاحبی، علی و عاطفه سلطانی فر. (۱۳۹۳). *دعوت به مسئولیت‌پذیری (فرآیند گام به گام واقعیت‌درمانی)*. چ ۲. تهران: سایه سخن.
- صاحبی، علی و همکاران. (۱۳۹۴). «تئوری انتخاب: رویکردی در جهت مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی». *رویش روان‌شناسی*. ش ۱۱. صص ۱۱۳-۱۳۴.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۹۷). *منطق‌الطیر*. مقدمه. تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. چ ۱. تهران: انتشارات سخن.
- قاضی، نعمت‌الله. (۱۳۴۶). *به سوی سیمرغ*. چ ۲. تهران: انتشارات پیروز.
- گلسر، ویلیام. (۱۳۹۳). *واقعیت‌درمانی*. ترجمه علی صاحبی. چ ۲. تهران: سایه سخن.
- _____ . (۱۳۹۷). الف. *تئوری انتخاب (درآمدی بر روان‌شناسی امید)*. ترجمه علی صاحبی. چ ۲۱. تهران: سایه سخن.

- _____ . (۱۳۹۷). ب. *تئوری انتخاب و مدیریت زندگی*. ترجمه علی صاحبی. چ ۱. تهران: سایه سخن.
- مزلو، آبراهام اچ. (۱۳۷۲). *انگیزش و شخصیت*. ترجمه احمد رضوانی. چ ۳. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- ولی پور، عبدالله و رقیه همتی. (۱۳۹۶). «در جست‌وجوی کمال مطلوب؛ بررسی تطبیقی ماهی سیاه کوچولو. نوشته صمد بهرنگی با جانانان مرغ دریایی اثر ریچارد باخ». *مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز*. س ۸. ش ۲. صص ۱۷۸ - ۱۶۱.
- ووبل‌دینگ، رابرت. (۱۳۹۵). *واقعیت درمانی برای قرن بیست و یکم*. ترجمه علی صاحبی و حسین زیرک. چ ۱. تهران: سایه سخن.

عناصر فرهنگ عامیانه در داستان حنای سوخته و رمان چنار

دالبتی

ملیحه شریلو*

دانش آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران

عبدالحسین فرزاد**

دانشیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

شپین اوجاق علیزاده***

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۱)

چکیده

یکی از مضامین مهم ادبیات داستانی معاصر، انعکاس فرهنگ مردم است و از آن جا که انسان و زندگی و اندیشه او جزء لاینفک داستان است، بنابراین پیوستگی فرهنگ مردم با انسان هم به این قالب ادبی راه یافته است. بخشی از این فرهنگ مثل آداب و رسوم اجتماعی، مذهبی، پزشکی و خرافی است و بخشی دیگر شامل زبان محاوره و گویش‌های محلی، اشعار و ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و بازی‌ها است. شهلا پروین روح و منصوره شریف زاده نویسندگانی هستند که به فرهنگ مردم توجه خاصی داشته‌اند، آثار آن‌ها از سویی عرصه به تصویر کشیدن رابطه انسان‌ها با این فرهنگ است که نشان می‌دهد استفاده به‌جا یا نابه‌جا از این فرهنگ در پرورش و زندگی انسان‌ها در جامعه داستانی تا حدودی ریشه در جامعه واقعی دارد و از سوی دیگر آشکار می‌شود که گاهی این مضامین، نقابی است بر اندیشه و نیت پنهانی و درونی نویسنده که به او کمک می‌کند که شیوه هنرمندانه‌تر و گاهی پیچیده‌تری در خلق اثر داشته باشد. البته با توجه به جنسیت و بینش نویسنده و زمان و مکان وقوع حادثه نحوه انعکاس این مضامین گاهی متفاوت و یا همانند می‌شود و از این منظر هم قابل بررسی است. ملاک انتخاب نویسندگان جنسیت مشترک، دوره مشترک و برگزیده شدن آثار انتخابی آن‌ها در جشنواره‌های متعدد ادبی است.

واژگان کلیدی: اصطلاحات و امثال، باورها و آداب و رسوم، پروین روح، شریف زاده.

*E-mail: maliheshariloo@gmail.com (نویسنده مسئول)

**E-mail: Abdolhosein.farzad@gmail.com

***E-mail: alizade@riau.ac.ir